

ویل دورانت

ترجمه زرین فنائیان

مجموعه آثار ویل دورانت



بنگاه ترجمه و نشر
کتاب پارسه

فهرست

۱۱	پیشگفتار
۱۷	فصل یکم: تمدن چیست؟
۲۵	فصل دوم: کنفسیوس و فرشته تبعید شده
۳۹	فصل سوم: هند؛ از بودا تا ایندیرا گاندی
۵۱	فصل چهارم: از اهرام تا آخناتون
۶۷	فصل پنجم: فلسفه و شعر در عهد عتیق
۸۱	فصل ششم: به سوی پریکلس
۹۷	فصل هفتم: عصر طلایی آتن
۱۱۷	فصل هشتم: از افلاطون تا اسکندر
۱۳۷	فصل نهم: جمهوری روم
۱۵۵	فصل دهم: انقلاب روم
۱۷۷	فصل یازدهم: امپراتوری روم (۲۷ ق.م. تا ۱۸۰ م.)
۱۸۹	فصل دوازدهم: نرون و آریوس
۲۰۳	فصل سیزدهم: مسیح بشری
۲۱۷	فصل چهاردهم: رشد کلیسا
۲۳۵	فصل پانزدهم: رنسانس (۱) حول لئوناردو

۱۰ ■ قهرمانان تاریخ

۲۷۳	فصل شانزدهم: رنسانس (۲) روم
۳۰۳	فصل هفدهم: رنسانس (۳) غروب ونیزی
۳۱۵	فصل هجدهم: انقلاب اول: وایکلیف و اراسموس
۳۴۱	فصل نوزدهم: انقلاب دوم (۱۵۱۷ تا ۱۵۵۵) لوتر در برابر مراسم اشتراکی
۳۷۳	فصل بیستم: اصلاحات کاتولیک
۳۸۹	فصل بیست و یکم: شکسپیر و بیکن
۴۱۹	نمایه

پیشگفتار

ویل دورانت، برندهٔ جایزهٔ پولیتزر، چهار سال پیش از مرگش کتابی را شروع کرد که آخرین کتاب وی نام گرفت. این پروژه از دل آرزویی برآمد که او با همسر و دخترش در میان گذاشت، مبنی بر اینکه خلاصه‌ای از تحسین‌شده‌ترین کتابش، تاریخ تمدن، ارائه دهد. در آن اثر - که جمع‌آوری‌اش پنجاه و اندی سال زمان برد - دورانت (به همراه همسرش آریل) به گردآوری نگاهی کلی و همبسته به تاریخ بیش از ۱۱۰ قرن در ۱۱ جلد پرداخت.

دورانت کاملاً از تغییر روزافزون چشم‌انداز پیش رو در عصر ارتباطات و رسانه‌های جمعی آگاه بود. ضبط صوت، تلویزیون، و سینما هر یک برای جلب توجه مخاطبان مدرن در رقابت بودند. در سال ۱۹۳۵، وقتی اولین جلد از تاریخ تمدن به چاپ رسید، تنها رقیب ادبیات، تصاویر متحرک سینما و اختراع نوظهور رادیو بود. در ۱۹۷۷، اتل، دختر دورانت، به امید کثرت بخشیدن به مخاطبان آموزه‌های والدینش با استودیو پارامونت تماس گرفت تا سریالی بر اساس تاریخ تمدن بسازند و اخبار مساعدی از این استودیو دریافت کرد.

حتی چهرهٔ صنعت نشر در حال تغییر بود؛ مردمی که زمانی کتاب‌های حجیم‌تر را ترجیح می‌دادند، حال اطلاعات و سرگرمی‌هایی موجزتر می‌خواستند. عوام فرصت

کمتری داشتند که به کتاب‌های بزرگ اختصاص بدهند و آن‌ها را بیشتر به چشم انجام وظیفه‌ای ناخوشایند می‌دیدند تا لذتی بی‌شتاب. از آنجا که مخاطبان مدرن شکل‌های پربازده‌تری از سرگرمی و آموزش را می‌طلبیدند، ویل دورانت تصمیم گرفت یک رشته از «گفتارهای کوتاه»^۱ یا صحبت‌های رادیویی براساس شخصیت‌ها و اتفاقات تعیین‌کننده تاریخ بشر آماده کند.

دورانت از این ایده استقبال کرد و اتل ترتیبی داد که این برنامه‌ها ضبط شوند اما وی در نامه‌ای به دخترش به تاریخ ۷ مارس ۱۹۷۷ نگرانی‌اش را از عدم توانایی در به اتمام رساندن این مسئولیت، در ۹۲ سالگی، ابراز داشت:

حال که عاقلانه به این برنامه نگاه می‌کنم، می‌بینم که پاره‌ای اشتباهات ذهنی انجام داده‌ام و به این نتیجه رسیده‌ام که نگارش و اجرای چنین برنامه‌ی جاه‌طلبانه‌ای - حتی با وجود کمک‌های آرل - فراتر از قابلیت‌های جسمی من است... احساس می‌کنم که عزرائیل بالاخره ما را پیدا کرده است چرا که کارت ویزیتش را پیش من جا گذاشته و این موضوع به شکل محو شدن برخی خاطرات و ضعف در راه رفتن و گرفتگی پاهایم، خود را نشان می‌دهد.

علایم فانی بودن زندگی غمگینم نمی‌کند. اگر بیش از زمان مفید بودم زنده بمانم بیشتر شرمنده خواهم بود. به هر حال، نباید بگذارم تو یا استودیو پارامونت پول و انرژی‌تان را صرف جاودانگی من کنید.

با این حال، دورانت فهرستی احتمالی از شخصیت‌های تاریخی که فکر می‌کرد موردعلاقه مخاطبان مدرن قرار گیرد تهیه کرد. این فهرست از کنفوسیوس^۲ تا لی‌پو^۳ و از آبراهام لینکلن^۴ تا والت ویتمن^۵ را شامل می‌شد.

اندیشه‌های وی نه تنها بسیار فراتر از یک اجرا پیش رفت، بلکه به فردی معمولی

1. Minitalks

۲. Confucius؛ مشهورترین فیلسوف، نظریه‌پرداز سیاسی و معلم چینی، ۵۰۰ سال پیش از میلاد

مسیح. (تمام پانویس‌های کتاب از مترجم است)

۳. Li po؛ شاعر چینی که در سال ۷۰۰ میلادی می‌زیسته است.

۴. Abraham Lincoln؛ نظریه‌پرداز و وکیل آمریکایی و شانزدهمین رئیس‌جمهور آمریکا.

۵. Walt Whitman؛ شاعر آمریکایی قرن نوزدهم.

نیز این امکان را بخشید که از دستاوردها و زندگی مردان و زنان بزرگ تاریخ، مستقیماً از زبان ویل و آریل دورانت، باخبر شود. حالا از طریق جادوی نوارهای ضبط صوت، هر کسی می‌تواند به دو تن از تحسین‌شده‌ترین مورخان آمریکا گوش بسپارد که مفاهیم اساسی تاریخ را تفسیر می‌کنند؛ شاخص‌ترین شعرا، هنرمندان، دولتمردان و فلاسفه‌ای که چشم‌انداز تاریخ بشری را هویت می‌بخشند. این نوارهای کاست در واقع کلاس‌های خصوصی با خانواده دورانت است که می‌توانید بارها و بارها در آن‌ها شرکت کنید؛ در واقع نوعی وسایل آموزش تاریخ، تا ابد، هستند که به نظر دورانت - و همچنین لرد بولینگبروک^۱ - «فلسفه‌ای است که از طریق مثال آموزش داده می‌شود.» همچنان که دورانت نسبت به انجام این مسئولیت نرم می‌شد، بارقه‌ای از خلاقیت بروی تابیدن گرفت که این دوره از زندگی‌اش را به یکی از خلاق‌ترین دوره‌های عمرش مبدل ساخت.

تا اوت سال بعد، او به همراه همسرش آریل، ۱۹ متن برای این برنامه نوشته بود و تعداد زیادی از آن‌ها را هم ضبط کرده بودند. در این زمان بود که وی دریافت با اعمال تغییراتی جزئی این متون می‌توانند به کتابی بسیار خواندنی مبدل شوند. او در ۲۵ اوت ۱۹۷۸ به دخترش نوشت:

ضمیمه مربوط به گفتار شماره ۱۸ را برای آینده نگه دار. من البته گفتار شماره ۲۰ را هم به پایان رسانده‌ام اما هنوز بازنگری آن تمام نشده است - که به جنبش اصلاحات کاتولیک‌ها: از ۱۵۱۷ تا ۱۵۶۳ در ۱۷ صفحه اختصاص خواهد داشت. از آنجا که قصد دارم این درس را به کتابی بدل سازم، به خودم اجازه دادم آن‌ها را کمی نسبت به نوشته‌های قبلی گسترش بدهم. آن‌ها در نهایت ۲۳ فصل خواهند بود.

شکی نیست که در نظر دورانت، این آخرین تلاش وی برای انتقال برداشت خود از تاریخ به‌مثابه فلسفه بود:

در نظر من تاریخ بخشی از فلسفه است. فلسفه تلاشی است برای به‌دست آوردن نگاهی واضح‌تر، نگاهی واضح‌تر از زندگی و حقیقت، وضوحی بیشتر که در نهایت برخورد شما را با بخش‌های

۱. Lord Bolingbroke؛ سیاستمدار، دولتمرد و نظریه‌پرداز سیاسی انگلیسی در قرن هجدهم.

متفاوت حقیقت یا زندگی تعیین می‌کند؛ برای مثال آیا شما را فهیم‌تر یا بخشنده‌تر می‌سازد؟ بر این اساس، شما این وضوح را حداقل از دو طریق می‌توانید به دست آورید: راه اول از طریق علم؛ مطالعه علوم مختلف تمام جنبه‌های وقایع خارجی را در نظر شمارنگ می‌بخشد. اما شما همچنین می‌توانید این وضوح را از طریق مطالعه تاریخ، که در واقع مطالعه وقایع در زمان است، به جای مطالعه چیزها در فضا، به دست آورید. من راه اول را کنار گذاشتم چون احساس کردم این راه بیش از حد ریاضی‌وار و بیرونی است؛ و در مقابل نیروی حیاتی که در خود و دیگران می‌یافتم بسیار غیر واقعی می‌نمود. تصمیم گرفتم تاریخ را بخوانم تا دریابم انسان چیست - چیزی که از طریق علم نمی‌توانستم بفهمم. در نتیجه، تاریخ تلاشی برای دستیابی به وضوح فلسفی از طریق مطالعه وقایع در طول زمان است. در نهایت با اجازه شما، من خود را فیلسوفی می‌دانم که تاریخ می‌نگارد.

با چنین اختتامی، دورانت، فصولی از تاریخ تمدن را می‌بندند و مطالب کاملاً تازه‌ای برای فصولی جدید می‌یابد. کتاب به دست آمده معرفی فوق العاده‌ای بر تاریخ است تا اشتیاق خواننده را برای دنبال کردن قهرمانان مورد علاقه‌اش در داستان مفصل‌تر تاریخ تمدن تحریک نماید.

دورانت تصمیم داشت کتاب را در ۲۳ فصل به پایان برساند اما قضا و قدر چنین مهلتی نداد. او ۲۱ فصل را پیش از آنکه همسرش آریل سکنه مغزی کند به پایان رساند و در اواخر ۱۹۸۱، خود نیز به علت مشکلات قلبی در بیمارستان بستری شد.

آریل، احتمالاً از ترس اینکه همسرش از بیمارستان بازنگردد، دست از غذا خوردن کشید. او در ۲۵ اکتبر ۱۹۸۱ در هشتاد و سه سالگی از دنیا رفت. خانواده تصمیم گرفت که از رسیدن خبر فوت وی به این فیلسوف جلوگیری کند. او با همه این احوال، از عمل جراحی به سلامت بیرون آمده و در مسیر بهبود کامل بود. با همه تلاش‌های خانواده، بر اساس آنچه مونیکا میهل^۱، نوه دورانت، می‌گوید، ویل دورانت این خبر را از طریق روزنامه یا اخبار تلویزیون دریافت. حقیقت هر چه بود، قلب ویل دورانت در تاریخ ۷ نوامبر ۱۹۸۱ در نود و شش سالگی از حرکت ایستاد.

با مرگ او، یادداشت‌های شخصی‌اش ناپدید شدند؛ بعضی از آن‌ها به اقوام رسید و بعضی به کلکسیونرها و موزه‌ها. در میان آن‌ها، این نسخه دست‌نویس از سه نقل مکان